

## گزینش در کلام امام خمینی (ره)

### ❖ سفارش به مدیران رسانه برای گزینش افراد صالح

بنیانگذار انقلاب به مدیران رسانه و مطبوعات توصیه می‌کنند که در گزینش افراد برای همکاری نهایت سعی و توان خود را به کار بندند که مبدا افرادی غیر صالح و منحرف وارد کادر خدمت شوند و جامعه را به انحراف بکشانند. «باید آنهایی که در صدر مطبوعات هستند آنها توجه داشته باشند مبدا در بین آنها اشخاصی خودشان را جا بزنند. شما می‌بینید که الآن اینهایی که انحراف دارند مشغول فعالیت هستند که هر چه در هر جا پیدا بشود، اینها هم داخلش بشوند به یک صورتی... یک وقت می‌بینید که مطبوعات یک راهی می‌رود که طرف چپ دارد می‌رود، یا یک راهی طرف راست دارد می‌رود، از راه مستقیمی که ملت دنبالش هستند - که آن راه اسلام است - منحرف می‌شوند. این از مهمات کسانی است که می‌خواهند یک خدمتی بکنند و مجله‌ای بیرون بدهند، یا روزنامه‌ای بنویسند. اول مساله این است که افراد را انتخاب بکنند. افرادی که می‌توانند اگر یک اشخاص منحرف باشند، بدون اینکه شما توجه داشته باشید، یک وقت توجه کنید که انحراف پیدا شد. اشخاص اند که می‌توانند که انسان را یا به دامن امریکا بکشند یا به دامن شوروی و این ملتی که آن قدر مجاهده کرده و آن قدر جوان داده و آن قدر زحمت کشیده است برای اینکه خارج بشود از این سلطه‌ها، یک وقت می‌بینید راه مجله، راه مطبوعات، راه رادیو و تلویزیون، نطقها و همه چیزهایی که الآن هست، یک وقت می‌بینید که اشخاصی برخلاف آن چیزی که مسیر ملت است وارد شدند در این راهها و راه را منحرف کردند و شما بعد ملتفت بشوید. این از مسایل مهمی است که توجه به آنها لازم است و اغماض از آنها جایز نیست.»

### ❖ اهمیت تحقیق و گزینش در تصدی مسؤولیت‌ها

«... بنابراین این از مسائل مهمی است که در درجه اول اهمیت واقع شده است که اشخاصی که اداره می‌کنند یک جایی را از اول ارزیابی بشود که این اشخاص چه کاره بوده‌اند. سابقه شان چیست. تحصیلاتشان در کجا بوده. چه جور رویه‌ای در تحصیلات داشتند و بعد از انقلاب چه جور وضعیتی اینها داشتند. قبل از انقلاب چه وضعیتی داشتند اینها. افکارشان قبلاً چی بوده. اگر یک کسی افکارش قبلاً منحرف بوده حالا بیاید به شما ادعا بکند که خیر من برگشته‌ام ما باید قبول کنیم اما نباید او را مجله نویس کنیم. آن دو تا باهم فرق دارند. خوب بسیاری از اشخاصی که می‌آیند می‌گویند ما توبه کردیم، توبه قبول است لکن نمی‌

شود آنها را سر یک کاری گذاشت که آن کار اهمیت دارد. برای اینکه ما نمی دانیم که - به حسب واقع که ما نمی دانیم که - این آدم توبه کرده یا این آدم می خواهد با این کلمه (( توبه )) ما را بازی بدهد. ما باید از او قبول کنیم که در جامعه مسلمین مثل سایر مسلمانها با او عمل نکنیم اما نباید رادیو و تلویزیون را به دست او بدهیم یا او را راه بدهیم در رادیو و تلویزیون یا مجله ای که برای تربیت افراد است برای ترویج این مسیر اسلامی ملت است ما به دست او بدهیم و یا نوشته هایش را به دست او بدهیم. این طور نباید که ما خوش باور باشیم. خیلی از اشخاص هستند که تمام حرفهایشان حرفهای اسلام است. تمام حرفهایشان حرفهای نهج البلاغه است و تمام حرفهایشان حرفهای قرآن است، لکن مسیرشان این نیست.

در بین اشخاص همچو اشخاصی هستند که این راه را پیش گرفتند برای اینکه خودشان را در جامعه جا بزنند آن مقصدی که دارند آن را عمل بکنند در بین مردم در عین حالی که ما باید قبول کنیم یک کسی که قبلاً هم - فرض کنید که - عاصی بوده این آدم حالا مسلمان است و به او ترتیب اثر اسلام را بدهیم اما نمی توانیم جهاتی که داریم به او بسپاریم مثلاً فرض بفرمایید یک دزدی بوده حالا آمده توبه کرده خوب دزد توبه کرده قبول است توبه اش اما می توانید شما مالیات آن چیزتان را سرمایه هایتان رادست این بدهید و برسید به این؟ نه عقلایی نیست .

برای اینکه ممکن است این دزد برای اینکه سرمایه دستش بیاید بیاید توبه کند! ما هم که علم غیب نداریم ما موظفیم که در ظاهر قبول کنیم دزد نه الان توبه کرده است. حتی اگر یک توبه ای کرد که همه ظواهرش هم درست بود اقتدا هم به او بکنیم در نماز اما نمی توانیم ما یک چیزی که امانت لازم است در آن دیانت لازم است در آن دست این بدهیم بدتر از همه همین مجلات است و همین مطبوعات است و همین رادیو و تلویزیون است و همین چیزهایی است که برای تربیت جامعه است.

یک نفر آدم قبلاً - فرض کنید - انحراف داشته کمونیست بوده، حالا آمده می گوید که من دیگر برگشتم و خیر حرفهای آنها درست نبوده من برگشتم. بسیار خوب شما برگشتید حالا آمدید باشد اما نمی توانیم ما این را در رادیو و تلویزیون راهش بدهیم که توبرو و مردم را تربیت بکن. ممکن است این کمونیست باز هم باشد لکن برای خاطر اینکه ما را بازی بدهد آمده این را گفته. ما مکلفیم به اینکه در ظاهر با او اعمال مسلمانی فرض کنید - بکنیم. در صورتی که در عقیده کمونیست نشده باشد آن مسأله دیگری است. اما نمی توانیم ما یک چیزی که می خواهیم تربیت کنیم بچه های خودمان را یک معلمی که کمونیست بوده است الان آمده می گوید نخیر من بسیار مسلمانم و پیش ما نماز هم می خواند و روزه هم می گیرد و بیشتر از شما و دیگران هم به آداب اسلامی تقید دارد.

بسیار خوب شما مسلمان بیایید بین مردم باشید کسی کاری به شما ندارد. اما نمی توانیم ما این را معلم بچه هایمان قرار بدهیم برای اینکه معلم بچه ها را ما باید مطمئن باشیم که این منحرف نمی کند بچه های ما. ما نمی توانیم ساده دلی به خرج بدهیم که خوب حالا این آدم اسلام گفته قبول کنید شما ما هم قبول

کردیم اما اسلام نفرموده حالا که قبول کردید مقدرات خودتان را دست این هم بدهید. دیگر این را اسلام نفرموده. اسلام فرموده قبول کنید که تو مسلمان و ترتیب آثار هم بدهید اما مقدرات یک مملکتی را ما بخواهیم دست یک کسی بدهیم که کمونیست بوده حالا هم میگوید من آدم خوبی هستم و ترتیب آثارش را هم ما می دهیم اما نمی توانیم مقدرات مملکتمان دستش بدهیم نمی توانیم مجله نویسی اگر بخواهد بکند او را آزاد بگذاریم که هر چه دلش می خواهد بنویسد یک وقتی می بینید چه از کار در می آید. شما هم نمی توانید در مجله ای که دارید و افراد را میخواهید انتخاب کنید یک اشخاصی که سابقه شان انحراف بوده است آن منحرف را حالا بگویید که نه دیگر حالا خوب شده است و آدم مسلمانی است و اینها. و وارد کنید در روزنامه تان .

خیلی خوب است برای خودش ما هم نمی گوییم بد است. الان توبه کرده خوب است اما نمی توانیم دیگر همچو مطلبی را که در ترتیب یک ملتی در سرنوشت یک ملتی دخالت دارد این رابه دست او بدهیم این از مسائل مهمی است که در همه جا باید این انجام گیرد این معنا که خیر ماباید همه اشخاصی که آمده اند می گویند که ما خوب هستیم اینها باید واردشان کنیم. منتها در همه جایی که سرنوشت ملت را هم به دستشان بدهیم این حرف ساده اندیشی است و توجه به مسائل نداشتن است.»

( حضرت امام خمینی (ره) دیدار سردبیر و اعضاء هیات تحریریه معبد سروش صیغه امام ج ۱۳ مهر ۴۷۷-۴۷۵ به تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۳ )

## ❖ **جلوگیری از نفوذ اشخاص منحرف**

«شما بانوان هم که مشغول یک عمل اسلامی – انسانی شدید مطمئن باشید به اینکه چون برای خدا دارید این کار را ادامه می دهید موفق خواهید شد هر اندازه ای که می توانید کوشش کنید که اولاً افرادی که انحراف دارند از این مسیر و انحراف دارند از جمهوری اسلامی خودش را جا نزنند. آن افراد اینطور نیست که بیایند بگویند ما انحراف داریم و آمدیم با شما کارکنیم اینها از خود شما شاید بیشتر نمایش بدهند که نه ما هم همین کار را می خواهیم انجام بدهیم ما هم در راه اسلام هستیم .

باید شما اشخاصی که همکار می خواهید قرار بدهید برای خودتان شناخته باشید از سابق که اینها وضعشان وضع خانوادگیشان مسیرشان در دانشگاه اگر بودند چه طوری بودند در سایر نقاط اگر چنانکه کار کرده اند چه جور کار کرده اند اینها را همه در نظر بگیرید و افراد را برای کمک و دخالت در این امر بزرگ انتخاب کنید و بعد راجع به طرز عمل شما باید بنابراین بگذارید که هیچ اعتنا به انتقاداتی که ممکن است حتی به این اسمی که شما انتخاب کردید منحرفین نکنند هیچ اعتنایی به این مسائل نکنید همان راهی که دارید همان راه را بروید.»

( حضرت امام خمینی (ره) دیدار سردبیر و اعضاء هیات تحریریه معبد پیوندگان راه زینب «اطلاعات بانوان» صیغه امام ج ۱۴ مهر ۶۱ به تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۸ )

## ❖ غفلت از گزینش برابر با انحراف انقلاب

«مسئولان صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه های بی اساس پس نزنند تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری آنان هستند جایگزین کنند البته باید از متخصصان متعهد یا اقل غیر معاند استفاده شود. لکن نه به قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب چشم ها و گوش ها را باز کنید که دشمنان حيله بازان کار کشته هستند و ممکن است از ساده دلی شما استفاده کنند و مراکز حساس را کم کم به دست گیرند و انقلاب رابه سوی غرب یا شرق بغلتانند. خداوند همه مسلمانان را از شر مخالفان اسلام و غارتگران کشورهای اسلامی حفظ بفرماید.»

(حضرت امام خمینن (ره) پیام به مناسبت ۲۲ بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلام صهیغه امام ج ۱۹ مهر ۱۳۶۲ به تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۲)

## ❖ جلوگیری از ورود افراد منحرف

«باید اشخاصی که هر جا هستند و متکفل این امر هستند و اشخاص صالح هستند باکمال دقت و باکمال وسوسه ملاحظه کنند که افرادی که خدای نخواستہ - انحراف دارند و افرادی که می خواهند خودشان را وارد کنند در این چیزهایی که به نفع اسلام است و منحرفش کنند مبدا باشد در آنها حتی یک فردشان هم خطر دارد به اندازه خودش.»

(حضرت امام خمینن (ره) دیدار دبیرکل حزب جمهور اسلام و مسئولان و اعضا دفتر ایمن حزب در سراسر کشور صهیغه امام ج ۱۶ مهر ۱۳۶۹-۱۷ به تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۴)

## ❖ قضاوت کار مشکلی است.

«با اینکه قضاوت کار مشکلی است و قاضی لب جهنم است ولی واجب است که واجدین شرایط، قضاوت

کنند و کار مهم و دقیق و پرخطر، با واجب بودن آن منافاتی ندارد.»

## ❖ گزینش افراد صالح

در گزینش افراد صالح، بدون ملاحظه روابط اقدام شود.